پنجشنبه ۲۶ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۴۰۸۱
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

«فرهیختگان» از وضعیت مدیریت تکنولوژی در نظام آموزش عالی گزارش می‌دهد

# π رادیان تاخیر فاز داریم

زهرا رمضانی
خبرنگار گروه دانشگاه

دنیای امروز، دنیای فناوری و نوآوری است؛ عصر جدیدی که رباتها جایگزین انسان در بخش‌های مختلف شده و حالا با توسعه هوش مصنوعی، جهان در آستانه انقلابی جدید قرار دارد. انقلابی که پای این حوزه و ربات‌ها را در همه ابعاد زندگی باز خواهد کرد. شاید در وهله اول، زندگی در دنیای متفاوت که یکی از دستاوردهای آن آسان شدن فعالیت‌ها، دقیق‌تر شدن محاسبات و کاهش خطاهای انسانی خواهد بود، جذابیت زیادی داشته باشد، اما واقعیت این است که با توجه به سرعت بالای رشد تکنولوژی امروز، اگر کشوری نتواند به سرعت خود را با واقعیت این روزهای دنیا تطبیق دهد، طبیعتا فاصله زیادی با مسابقه فناوری و نوآوری امروز پیدا می‌کند که شاید جبران آن دیگر کار آسانی نباشد. از این رو مدیریت این حوزه اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است. در این میان هماهنگی سرفصل‌های دروس نظام آموزش عالی کشور که بازوی اصلی تربیت نیروی متخصص به شمار می‌رود، با نیاز واقعی میدانی کاری است که متولیان بخش‌های مختلف باید توجه جدی به آن داشته باشد. سرفصل‌هایی که می‌تواند خروجی دانشگاه‌ها را نیروهای نوآور و فناور تربیت کرده و کشور را از حیث نیروی متخصص مورد نیاز این حوزه بیمه کند. در پنل «تحول در برنامه‌های درسی مدیریت فناوری و نوآوری در ایران» پنج تن از فعالان دانشگاهی به همراه مدیر کل برنامه‌ریزی آموزشی وزارت علوم به تشریح واقعیت‌های این حوزه و لزوم تغییر در سرفصل‌های درسی پرداختند که در ادامه مشروحی از آن را می‌خوانید.

## کیارش فرتاش، عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی و مجری:

جامعه مدیریت تکنولوژی و جامعه مدیریت نوآوری به نسبت سن و جمعیتش بالنده شده است؛ با این حال وقتی از دریچه برنامه‌های درسی به آن نگاه می‌کنیم، چند مساله وجود دارد. اولین سوال این است که واقعا تصویر بیرونی رشته ما برای آدمی که یک فارغ‌التحصیل برتر در مقطع لیسانس از نظر آینده کاری و اینکه تحصیل در آن قرار است چه آورده‌ای برای فرد داشته باشد، تا چه میزان جذاب است؟ بنده همیشه در پژوهشکده مطالعات بنیادین علم و فناوری از دانشجویان می‌پرسم که شما با چه انگیزه به مقطع کارشناسی ارشد آمدید؟ یک مساله دیگر اینکه تا چه میزان زنجیره مقاطع دانشگاهی باید در رشته مدیریت تکنولوژی تکمیل شود؟ چراکه امروز مثال‌های نقضی در بحث تکمیل زنجیره مقطع تحصیلی در رشته‌های دانشگاهی داریم. به طور مثال رشته‌هایی مثل MBA اصولا فقط در مقاطع تحصیلات تکمیلی پذیرش دانشجو دارد، درحالی‌که این رشته امروز جزء رشته‌های جذاب و به‌اصطلاح پرمشتری کشور است. البته اینکه تکمیل نبودن این زنجیره بر روی جذاب بودن رشته اثرگذار بوده یا خیر، موضوع قابل بحثی است. به موضوع مدیریت تکنولوژی برگردیم؛ سوال این است که امروز تا چه میزان به صورت جدی و خاص به هوش مصنوعی فکر می‌کنیم؟ این را هم می‌دانیم که این حوزه تا ۱۰ سال آینده خیلی جدی‌تر خواهد بود. مساله دیگر اینکه چقدر تمایزهای دانشگاه‌ها در تربیت نیروی این رشته مدنظر قرار می‌گیرد؟ تا چه میزان برنامه‌های درسی امروز مهارت‌محور بوده و باعث افزایش مهارت دانشجو و در نهایت بالا رفتن اشتغال‌پذیری آنها می‌شود؟ در ابتدا از محمدحسین شجاعی، عضو هیات‌علمی دانشکده مطالعات و فناوری و معاون پژوهشی مرکز پژوهشکده مطالعات فناوری بحث را آغاز می‌کنیم که برای بازنگری سرفصل‌های دروس که حدود دو سالی از ابلاغ آن می‌گذرد، چه اتفاقاتی دنبال شده است.

## فرآیند اداری پویایی را از بازنگری سرفصل‌های دروس می‌گیرد

**محمدحسین شجاعی، عضو هیات علمی دانشکده مطالعات و فناوری و معاون پژوهشی مرکز پژوهشکده مطالعات فناوری:**

همان‌طور که مطلع هستید ما اولین برنامه آموزشی که برای مدیریت تکنولوژی در کشور تصویب کردیم مربوط به سال ۱۳۷۷ بود که با همت سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی در وزارت علوم انجام شد؛ ولی تا سال ۸۰ اقدام عملیاتی روی آن رخ نداد. در سال ۸۰ دانشگاه علامه طباطبایی و دانشگاه آزاد واحد علوم‌وتحقیقات جزء اولین دانشگاه‌هایی بودند که در مقطع ارشد این برنامه را پیاده‌سازی کرده و عملا آموزش‌های مدیریت تکنولوژی در کشور شروع شد و چهار سال بعد هم این برنامه برای مقطع دکتری آغاز شد. همچنین در سال ۱۴۰۱ برنامه جدید این حوزه را تصویب کردیم که در مقطع ارشد سه گرایش همکاری و انتقال فناوری، گرایش نوآوری و کسب و کارهای فناورانه را شامل می‌شد، در مقطع دکتری هم یک رشته تحت عنوان مدیریت فناوری تصویب کرده‌ایم.

حالا اگر بخواهیم روند طی‌شده در موضوع بازنگری را بازخوانی کنیم، باید بگویم سال ۱۳۹۳ ایده‌ای توسط انجمن مدیریت مدیریت فناوری و نوآوری مطرح و اجلاسی تحت عنوان نشست مدرسان مدیریت تکنولوژی با حضور اساتید مختلف از دانشگاه‌ها برگزار شد که طی آن درباره اینکه سرفصل‌های آموزشی شامل چه محورهایی بوده، دروس چه خلائی داشته و در مقابل نیاز صنعت و دولت چیست، تبادل نظر شد. نشست دوم در سال ۱۳۹۵ و اگر اشتباه نکنم به همت شاخه دانشجویی دانشگاه علامه طباطبایی برگزار شد و در نهایت طی همین دو جلسه و رفت‌وآمدهایی که با این انجمن صورت گرفت، تیمی تحت عنوان تیم بازنگری برنامه آموزشی به صورت متمرکز این حوزه در انجمن فعال شد، در نهایت در سال ۹۷ تلاش‌های این تیم باعث برگزاری اولین جلسه کارگروه مدیریت شورای تحول و ارتقای علوم انسانی شد. اینها را گفتم تا توجه‌تان را به مسیری که طی شده، جلب کنم.

در اولین قدم تغییراتی در رشته مدیریت صورت گرفت؛ چراکه اعلام شد همه رشته‌های مدیریت باید یک سرفصل‌های مشترکی داشته باشند و به همین دلیل به صورت اجباری یک سرفصل درسی به برنامه درسی اضافه شد که البته برای آن مجبور بودیم بعضی از سرفصل‌هایی که دوستان انجمن روی آن توافق کرده بودند؛ حذف کنیم. این موضوع دنبال شد تا در سال ۱۴۰۰ این موضوع در شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب و از مهر ۱۴۰۱ برای اجرا به مدت پنج سال ابلاغ شد. موضوع مهم اینکه همه می‌دانید این رشته دائم در حال تغییر است ولی فرآیندهای اداری باعث می‌شود که پویایی لازم در این حوزه رخ ندهد.

آن زمان ما ایده‌مان این بود که دانشجو حتی بتواند خودش انتخاب دروس را داشته باشد، درحالی که این انتخاب امروز محدود به انتخاب خود دانشگاه است. یعنی این دانشگاه است که به تشخیص دانشکده، یک‌سری دروس را در اختیار دانشجو می‌گذارد که این اتفاق نیفتد.

## درکارشناسی ارشد شاهد عدم تجانس دروس امتحانی با رشته تحصیلی هستیم

**آرنوش شاکری، عضو هیات علمی واحد علوم‌وتحقیقات و عضو هیات مدیره انجمن فناوری و نوآوری:**

صحبت‌هایم را در دو سرفصل ارائه خواهم کرد. اول اینکه بخشی از مسائل مربوط به مشکلاتی است که باید اسم آن را قبل از ورود به دوره گذاشت؛ چراکه این مشکلات شاید مستقیما به بحث سیلابس‌های درسی مدیریت تکنولوژی مرتبط نباشد، اما بر روی کیفیت فرآیند آموزشی که در دانشگاه‌های طی می‌شود، تاثیر می‌گذارد. در اینجا باید از فرصت حضور آقای نقی‌زاده استفاده کنم و نکاتی را بگویم که شاید همه آن هم به وزارت علوم برنگردد. اگر دفترچه ثبت‌نام کارشناسی‌ارشد را برای سال ۱۴۰۲ نگاه کنید، می‌بینید ذیل کد ۱۱۴۲ که مجموعه مدیریت است، مدیریت فناوری با سه گرایش تعریف شده که ضرایب دروس مختلف هم در این دفترچه قید شده که بر اساس آن عناوین دروس امتحانی زبان عمومی، اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام، ریاضی و آمار، تئوری‌های مدیریت و اقتصاد خرد و کلان است که به ترتیب ضریب ۳، ۲، ۲، ۳ و ۲ را دارد بعد از آنها دروس تحقیقات در عملیات و مدیریت تولید است. فارغ از اینکه گرایش‌هایی که ما در کارشناسی ارشد داریم چیست؟ در درس‌ها عملا درس مرتبطی با حوزه تکنولوژی وجود ندارد. درست است که دکتر فرتاش اشاره کردند در این رشته مقطع لیسانس نداریم و این مهم جای بحث دارد که اصلا بودن یا نبودن مقطع لیسانس چه فرصت و چه تهدیدهایی دارد، ولی اجالتا می‌بینیم برای کسی که می‌خواهد وارد مقطع کارشناسی‌ارشد این رشته شود، در دانشگاه‌ها با دروسی آشنا می‌شوند که قبلا درباره آنها نخوانده بود و این یک ضعف است. مشخصا ما در زمینه برنامه‌ریزی برای آزمون‌های مربوط به کارشناسی ارشد این عدم تجانس را به وضوح می‌توانیم ببینیم.

مساله بعدی عدم همخوانی برنامه‌های وزارت علوم با دفترچه آزمون در مقطع دکتری است؛ یعنی عملا بین ارشد و دکتری یک ناهمگونی دیده می‌شود. به عنوان مثال سیاستگذاری علم و فناوری در دفترچه کارشناسی ارشد ذیل مدیریت دولتی تعریف شده ولی در دکتری ذیل مدیریت فناوری است که عملا دو تا گروه کاملا متفاوت از یکدیگر هستند. یا به طور مثال در دفترچه ثبت‌نام آزمون ما گرایش کسب و کار فناورانه را داریم اما در دفترچه انتخاب رشته اصلا ظرفیتی برای آن وجود ندارد و اینها اشکالاتی است که بین دفترچه‌های کنکور ارشد و دکتری وجود دارد و باعث سرگردانی افراد می‌شود. همچنین بین دانشگاه آزاد با سراسری هم در رشته‌های دکتری شاهد عدم هماهنگی هستیم؛ درست است که مجموعه مدیریتی دانشگاه آزاد با مجموعه مدیریتی دانشگاه سراسری تفاوت دارد ولی وقتی ما به جامعه مدیریت تکنولوژی فکر می‌کنیم این ناهمگونی اصلا پذیرفته نیست. این در حالی قابل پذیرش است که ما بخواهیم کاملا دانشگاه را در حوزه پذیرش دکتری خودمختار کنیم که به شخصه موافق آن هستم، ولی وقتی این‌طور نیست باید همخوانی را در میان همه دانشگاه‌ها شاهد باشی که عملا این‌گونه نیست.

## مدیریت تکنولوژی می‌تواند سرآغاز تحول سایر رشته‌ها باشد

**رضا نقی‌زاده، مدیرکل برنامه‌ریزی آموزشی وزارت علوم:**

یک سال و نیم تقریبا اصرار می‌کنم روی این مساله کلونی رشته مدیریت فناوری در کشور دچار اشکال است. در اینجا باید بگویم که اولا رشته مدیریت تکنولوژی و ام‌بی‌ای چطوری ایجاد شدند؟ درباره این مساله بنده جمع‌بندی مطالعات خودم را می‌گویم، هرچند شاید هم درست نباشد؛ چراکه نقطه نظرات متفاوت است. اولا اینکه هر دو رشته عمدتا از ایالات متحده آمده‌اند. مساله آنها این بود که می‌خواستند هم به مدیران صنعت را یاد بدهند هم به مهندسی‌ها مدیریت را آموزش بدهند، در همین راستا دانشگاهی مانند ام‌آی‌تی به حوزه ورود کرد و به مدیران صنعتی که عمدتا مهندس بودند، در مقاطع کوتاه، مباحث مدیریتی را آموزش داد و رشته مدیریت تکنولوژی وام‌بی‌ای و... زاییده این تفکر بود. از این بگذریم باید بگویم کارکرد برخی رشته‌ها را در مقطع کارشناسی‌ارشد شخصا متوجه نمی‌شوم، یعنی نمی‌دانم کارکرد رشته سیاستگذاری علم و فناوری در مقطع کارشناسی ارشد چیست؛ چراکه مگر چند تا پست در این حوزه داریم و اصلا چه میزان نیروی انسانی در این رشته و این مقطع می‌خواهیم تربیت کنیم.

در حوزه مدیریت دولتی هم همین سوال را دارم. مگر دولت چقدر نیرو در این سطح می‌خواهد؟ این وظیفه انجمن علمی است که در این حوزه‌ها ورود کند و تعادل را ایجاد کند. سوال اصلی این است که رشته کشاورزی یا برق ما چطور دچار آسیب شد؟ قطعا وقتی شما یک رشته‌ای داشته باشید که ۶۰-۵۰ درصد فارغ‌التحصیلان آن بیکار باشند، طبیعتا ورودی آن رشته ضعیف و در نتیجه کیفیت رشته کاهش پیدا می‌کند. عملا وقتی دانشجویی را با نمره صفر مرتبط با این رشته پذیرش می‌کنی، نمی‌توانی بعدا آن را به این دلیل بیندازی، چراکه به دلیل کیفیت پایین باید همه یک کلاس را انداخت و اصلا مگر می‌شود در یک دانشگاه دانشجویان یک کلاس را انداخت؟ این امکان‌پذیر نیست. پس ما احتیاج داریم در انجمن مدیریت فناوری و نوآوری، گروه‌های مختلف را جمع کنیم تا جلوی عطش‌های بی‌رویه به این حوزه را بگیریم.

نکته دوم هم که اساسی‌تر است، اینکه من فکر می‌کنم رشته‌مان کهنه شده و با بازنگری مساله‌اش حل نمی‌شود، یعنی احساس می‌کنم و حتی وقتی به سایت‌های مختلف سر می‌زنم، می‌بینم رشته‌مان کهنه شده است. با وجود اینکه کانادا دانشگاه‌های ما را در ۱۱ رشته فناوری پیشرفته انرژی، مواد و تولید پیشرفته، تکنولوژی پیشرفته حسگری و نظارت، فناوری هوافضا و ماهواره، هوش مصنوعی و تکنولوژی داده‌های بزرگ، ادغام و ماشین، تکنولوژی علوم سرآمد، علم و تکنولوژی کوآنتوم، رباتیک و سامانه خودرو، تحریم کرده است، اما سوالم این است که ما در بحث مدیریت تکنولوژی برای این مباحث چه اقدامی انجام داده‌ایم؟ معتقدم درگام اول باید خودمان را از گروه مدیریت جدا کنیم؛ چراکه این یک اشتباه راهبردی است. هرچند عنوان مدیریت داریم، اما جنس ما مدیریت منابع انسانی و بازرگانی نیست، بلکه جنس‌مان مدیریت فنی است و یک مقوله بین‌رشته‌ای هستیم که اتفاقا باید به حوزه فنی نزدیک‌تر باشیم. درحالی که می‌بینیم سیلابس درسی این حوزه بیشتر مدیریت است تا تکنولوژی. اگر با این مدل پیش برویم ما احتمالا یک رشته مدیریت شویم که گرایش تکنولوژی دارد و عملا تکنولوژی در این رشته کمرنگ می‌شود.

امروز ما یک فرصت استثنایی داریم و تا زمانی که بنده در این سمت هستم، می‌توانم این گرایش را از تله مدیریت بیرون بیاوریم و البته اینکه بخواهیم بخش‌های مختلف تکنولوژی را از حالت فعلی در بیاوریم، وظیفه انجمن است. واقعیت این است که آموزش عالی ۱۰ سال آینده اصلا نمی‌تواند مانند امروز باشد؛ چراکه ما با یک آموزش عالی جهانی روبه‌رو خواهیم بود؛ نقش اساتید و انتقال محتوا، به طور کلی متفاوت خواهد شد و در این میان رشته مدیریت تکنولوژی می‌تواند سرآغاز تحول برای سایر رشته‌های آموزشی باشد. ما الان در شورای عالی برنامه‌ریزی با پیگیری مستقیم بنده این مهم را برای کل رشته‌ها اجباری کرده‌ایم که درس عمومی اختیاری هوش مصنوعی و تحول دیجیتال در تمام رشته‌ها ارائه شود. البته امروز این مهم را اختیاری کرده‌ایم؛ چراکه برخی از دانشگاه‌ها توان برگزاری آن را ندارند. اما این کارها کافی نیست و نیاز به یک‌سری گروه‌ها مانند همین انجمن مدیریت تکنولوژی و نوآوری داریم تا کارهای بزرگ کنند.

## نمی‌توان تنها با اصلاح سیلابس‌های درسی وضعیت را تغییر داد

**مهدی گودرزی، عضو هیات‌علمی دانشگاه علامه طباطبایی و رئیس مرکز رشد و کارآفرینی دانشگاه:**

نگاهی که من در این بحث دارم بحث فرآیندی است. یک بخش ورودی این رشته است که دکتر شاکری دقیق صحبت کردند که اولا ورودی به این رشته وضعیتش چه طوری است و می‌تواند چطور باشد. یک بحث هم، فرآیند و طرح درس است. دکتر شجاعی به نوعی درباره محتوای جدیدی که دو سال است تولید شده، صحبت کرد. نکته دیگر بحث خروجی دانشگاه است، اینکه دانشجویی مدرک گرفت، قرار است چگونه جذب بازار کار شود؟ موضوع دیگر اینکه ارزیابی گرفتن از این حوزه‌ها برعهده کیست؟ آیا یک انجمن علمی می‌تواند این حوزه را ارزیابی و کنترل کیفیت کند؟ قطعا دانشکده‌ای که یک استاد متخصص این حوزه را ندارد وقتی دانشجویی در این حوزه تربیت کرده عملا هم به خود دانشگاه ظلم می‌کند و هم به آن بندگان خدایی که به‌عنوان دانشجو به آنجا می‌روند. بنده ترجیح می‌دهم در این حوزه یک‌سری سوال مطرح کنم که برای به پاسخ رسیدن نیاز داریم تا درباره آن با هم بحث کنیم. نکته‌ای که دکتر نقی‌زاده مطرح کردند کاملا درست است. یک بحث در دانشکده ما مطرح شد تحت عنوان تدوین استراتژی. بعد به رئیس دانشکده گفتم اینکه ما می‌خواهیم علم مدیریت را پیش ببریم یا مدیر پرورش دهیم؟ این دو تا چیز کاملا مجزاست، البته می‌تواند مکمل هم باشد. یعنی وظیفه من در آن دانشکده این است که یک مدیر خوب پرورش بدهم که برود یک بنگاه یا یک بخش دولتی را اداره کند یا اینکه وظیفه‌ام این نیست و باید یک‌سری مفاهیم را به این دانشجو آموزش بدهم و دیگر کار و شغلش هم به من هیچ ربطی ندارد؟ متاسفانه این مساله هنوز حل نشده است. برای اینکه اهمیت این موضوع را ببینید، یک مثال بزنم. چند سال پیش یکی از اساتید ایرانی یکی از دانشگاه‌های آمریکا آمده بود دانشگاه ما که خودش هم رئیس یک دانشکده‌ای در کشور آمریکا بود که در حوزه بیزینس اسکول فعالیت می‌کرد. از او دعوت کردیم تا به دانشکده آمده و سخنرانی برایمان داشته باشد. او بحث جالبی برای ما کرد مبنی بر اینکه چطور به دانشجوی ترم یک ۱۸ ساله آموزش می‌دهند. او عنوان کرده بود در ابتدا دانشجویان را به چند گروه تقسیم می‌کنیم. درحالی‌که هنوز هیچ اطلاعاتی از بیزینس و کسب‌وکار ندارد، ۵۰۰۰ دلار در اختیارشان قرار می‌دهیم و می‌گوییم شما باید بروید شرکت ثبت کنید، درحالی‌که این دانشجو هنوز نمی‌داند شرکت چیست اما به او پول می‌دهیم تا درگام اول شرکت ثبت کند. بعد از آن به او می‌گوییم که باید مدیر توسعه محصول، مدیر مالی و مدیرعامل شرکت را مشخص کرده و یک محصول هم در آخر طراحی کنند و گزارش بدهند که با این پول ورشکست شده یا خیر. حالا ما در کشور دوستانی داریم که تا دکتری درس می‌خواند اصلا نمی‌داند اساسنامه یعنی چه، نمی‌داند مسائل مدیریتی یعنی چه، اصلا حسابداری و بحث مالی چیست؟ حالا آمده دکتری مدیریت تکنولوژی یا مدیریت دولتی هم می‌خواند. می‌خواهم عرض کنم اساسا این یک مساله کلیدی است که ما قرار است مهارت را توسعه بدهیم یا علم مدیریت را؟ باید تکلیف این مشخص شود. تا تکلیفش مشخص نشده، مساله‌ای حل نمی‌شود. یکی از موضوعاتی که باید به آن توجه شود اینکه اشتغال در حوزه علوم پزشکی خوب است. با این حال بنده خبر دارم که بحث رشته مدیریت تکنولوژی جزء ساختار وظیفه‌ای وزارت بهداشت قرار نگرفته است. معتقدم باید این کار را کرد و اینکه وظیفه چه کسی است که این رشته را در ساختار وزارت بهداشت نهادینه کند، نمی‌دانم. آیا انجمن باید این مسیر را هموار کند یا من استاد دانشگاه یا دکتر نقی‌زاده باید برود با آنها لابی کند. نکته آخرم این دوگانه‌ای است که اینجا مطرح شد که آیا ما به سمت بحث‌های مهندسی برویم یا بحث‌های مدیریتی؟ مساله اصلی این است که باید درباره همه این موضوعات فکر شود و این‌طور نیست که بگوییم تنها یک طرف این حوزه را درست می‌کنیم، یعنی تنها سیلابس و طرح درس را باید اصلاح کنیم. البته ما این کار را کرده‌ایم و در این مهم دیگر ایراد از خود ماست که سیستمی نگاه نکردیم، درحالی‌که باید کل مجموعه را ببینیم.

## بخش خصوصی هیچ‌گاه در بازنگری دروس نقشی نداشته است

**کامران باقری، فارغ‌التحصیل مدیریت نوآوری و مالکیت فکری دانشگاه سانتانو ایتالیا و عضو هیات‌مدیره انجمن مدیریت فناوری ایران:**

من تخصصم مدیریت نوآوری و مالکیت فکری بود، سالیان سال و هنوز هم هست. عضو هیات‌علمی هم بودم. دوستی داشتم که ایشان در صنعت خودرو مدیرعامل نگین خودرو بود که می‌شود نمایندگی رنو در ایران. در اوج دوره‌ای که رنو در ایران خیلی طرفدار داشت من را به دفترش دعوت کرد و گفت بیا اینجا مدیر مارکتینگ شو. برای من خیلی عجیب بود چون در صنعت خودرو کار نکرده بودم و رشته‌ام مارکتینگ نبود و می‌گفتم من که بلد نیستم. من مدیریت نوآوری بلدم. درنهایت قبول کردم و برای همان از هیات‌علمی بودن استعفا داده و چندین سال در صنعت خودرو مدیر مارکتینگ دو برند نیسان و رنو در ایران بودم. حضورم در این بخش نگاهم را به رشته خودمان تغییر داد. انگار که برای خودمان یک زمین بازی درست کردیم فارغ از واقعیت. برداشت خودم را می‌گویم شاید اشتباه باشد. در صورتی که قرار بوده فارغ‌التحصیلان رشته ما به نوآوری در مارکتینگ کمک کنند، به نوآوری در امور مالی و تکنولوژی کمک کنند، ولی ما اصلا این را به یک زمین بازی تبدیل کردیم و دیوار دورش کشیدیم. علی‌رغم اینکه در دانشگاه درس می‌دهم ولی الان می‌خواهم با کلاه صنعت صحبت کنم. من در فناب مدیرعامل یک مجموعه هستم و مشاور مدیرعامل هلدینگ که نزدیک به ۶، ۷ هزار نفر از بچه‌های خوب این کشور آنجا کار می‌کنند. در شرکت‌های دیگر هم فکر کنم یکی دو هزار نفر باز از همین تیپ بچه‌ها هستند که من با آنها کار می‌کنم. ما الان مصاحبه می‌کنیم نیرو می‌گیریم، یعنی عملا مدرک دانشگاهی فرد برای ما مهم نیست که کجا درس خوانده و حتی مهم نیست که اصلا مدرک دانشگاهی دارد یا خیر. می‌خواهم بگویم ممکن است اگر اقدامی نکنید شما بزرگواران چون ریش و قیچی کم و بیش دست‌تان است، این رشته تا ۲۰ سال دیگر بماند ولی دنیا از کنار شما گذشته و رفته است. یعنی ممکن است سه سال دیگر هم این رشته باشد و اساتیدش هم سر کلاس خوشحال می‌روند و می‌آیند ولی دنیا اصلا آن سمتی که ما در دانشگاه تدریس می‌کنیم، نرفته باشد بلکه مسیر دیگری را دنبال کند. البته ضرورتا اینکه دنیا از ما می‌گذرد به این معنی نیست که رشته تعطیل شود، نه ممکن است ۱۰ سال دیگر هم باشد. مساله مهم اینکه وقتی به لیست افرادی که در بازنگری دروس شرکت داشتند، نگاه کردم دیدم حتی یک نفر هم از بخش خصوصی در آن وجود ندارد. مگر می‌شود حتی یک نفر را هم از حوزه بیزینس نداشته باشیم؟ ۲۰ دانشگاه، ۲۰ استاد دانشگاه، فرض کنید به نمایندگی از این دانشگاه‌ها آمدند در جلسات شما درباره سرفصل تصمیم گرفتند و بستید و رفته است. پس من بخش خصوصی چه می‌شوم؟ موضوع بعدی این است که امروز دانشگاه تبدیل به چیزی شده که اصلا راه به صنعت نمی‌دهد. اصلا مدیر صنعتی را قبول ندارد. مدیری که در بیزینس موفق است را قبول ندارد. درحالی‌که این فرد یک سازمان چند هزار نفری را در همین کشور با همه سختی‌های کسب‌وکار مدیریت می‌کند. شروع همین ترم در دانشگاه تهران دانشکده برق و الکترونیک اگر اشتباه نکنم دعوت کرده بودند از آقای دکتر جوانمردی، مدیرعامل فناب که در مراسم آشنایی با بچه‌های جدید صحبت کند و بعد ایشان یک مشکلی برایش پیش آمد. شب قبلش به من زنگ زد که کامران جای من برو. من رسیدم امیرآباد. آدرس را هم بلد بودم. نزدیک درب زنگ زدم به رئیس گروه که من الان اینجا هستم باید چه طوری داخل بیایم هماهنگ شده یا خیر. گفت راستش باید از سه روز قبل هماهنگ می‌کردید و الان نمی‌توانم ولی برو دم در ببین راهت می‌دهند یا خیر. خدا شاهد است، من رفتم دم در. نگهبان گفت که خانم دکتر هنوز نمی‌داند اینجا چه طوری کار می‌کند و نمی‌توانم راهت بدهم. هرچند درنهایت به دلیل آشنا بودن فرد توانستم وارد شوم اما واقعیت این است که ما در دانشگاه، صنعت را در این حد قبول داریم و نظرش را می‌پرسیم. عرضم را خلاصه کنم. سوال این است که نه در حد کسب‌وکار، بلکه در سیاستگذاری و سیاست‌پژوهی دیتامان کجاست؟ این همه دوستان به لایه سیاستگذاری و سیاست‌پژوهی رفتند و از فارغ‌التحصیلان این رشته کار می‌کنند. آیا آموزه‌های این رشته به دردشان خورده است؟ الان از آنها استفاده می‌کنند؟ پیشنهادشان چیست؟ حتی وقتی می‌خواهیم بازنگری هم کنیم مبتنی بر دیتا بازنگری نمی‌کنیم. در کسب‌وکار هم همین‌طور است. آن تصمیم‌گیری و اصلاح مبتنی بر دیتا را به نظرم باید خیلی جدی و صریح بگیریم؛ چراکه دنیا منتظر ما نمی‌ماند.

**مجری:** قلب دعوای چین و آمریکاست.

**باقری:** فکر می‌کنم شاید مدلی که باید به آن فکر کنیم، مدلی است که صددرصد با قالب‌های سختی که الان ما در دانشگاه و وزارت علوم برای موضوع مدیریت تکنولوژی بنیان گذاشتیم همخوانی ندارد و البته اجرای آن جسارت زیادی هم می‌خواد.

## نیاز داریم تا رشته‌هایمان را فنی‌تر دنبال کنیم

**شجاعی:** من باز اجازه شما چون وقت کم است یکی دو تا نکته را مرتبط با فرمایشات بزرگواران عرض کنم. یک نکته اینکه با توجه به فرمایشات اساتید، یک ضرورت این است که ما به سمت فناوری‌های جدید برویم و رشته‌مان را فنی‌تر کنیم ولی این سوال مهم که دکتر گودرزی هم مطرح کردند که آیا با این سرفصل‌ها و ساختار آموزشی امکانش هست یا خیر، به نظر می‌آید غیر از بحث محتوای آموزشی که بحث امروز ماست در ساختارها هم باید تغییر ایجاد کنیم. از ظرفیت وجود دکتر نقی‌زاده هم استفاده کنیم. مثلا در بحث دکتری صنعتی که در دنیا هم مطرح است، باید یک پژوهش مشخص، یک فناوری مشخص با مساله‌ای که از جانب صنعت می‌آید را داشته باشیم و دانشگاه بتواند در آن مشارکت کند. یعنی باید دانشگاه دانشجویانش را وارد میدان کرده، تامین هزینه‌ها صورت بگیرد و حتی دولت هم در برخی موارد آن ورود کند تا کار جلو برود. درحقیقت چنین انعطاف‌هایی لازم است. به هر حال یک مسیر تعریف ساختارهای جدید آموزشی است. یکی دیگر هم بحث دوره‌های غیررسمی است مثل summer schoolها که البته باز دانشگاه‌ها باید روی این حوزه کار کنند و در این حوزه اقداماتی مثل کمپ‌های کارآفرینی که تجربه‌هایش در دنیا هم وجود دارد را در کشور داشته باشیم. اینها می‌تواند کمک کند که یک مقدار از این ساختار رسمی که داریم و به آن خو کردیم خارج شویم و تجربه‌های جدیدی کنیم. در انجمن هم به نظر می‌آید گفت‌وگوی ما با همدیگر، گفت‌وگوی ما با صنعت، با دولت و نشست‌های مدرسان مدیریت تکنولوژی و گفت‌وگو با هم، حتی نشست انجمن‌های مرتبط کارآفرینی و آینده‌پژوهی انجمن‌هایی که داریم، می‌توانند هم‌افزایی ایجاد کنند. من به همین دو نکته بسنده می‌کنم.

## باید طرح تا تصویب بازنگری دروس در کمترین زمان رخ دهد

**شاکری:** یکی و دو نکته را عرض می‌کنم خیلی تفاوت هم ندارد با فرمایشات دوستان. یکی اینکه بحث صنعت است. قطعا در بازنگری دوره‌هایی مثل مدیریت تکنولوژی لازم است و امیدوارم در وزارت علوم فکری برای حضور صنعت در بازنگری شود و در آینده این اتفاق را شاهد باشیم. موضوعی که باید به آن اشاره کنم، اینکه بنده در دانشگاه حقوق و قراردادهای انتقال تکنولوژی درس می‌دهم. برای یکی از درس‌ها اگر من قرارداد نبسته باشم چه طور می‌خواهم این را درس بدهم؟ چه شکلی می‌خواهم بگویم در قرارداد، انتقال تکنولوژی مهم است اگر خودم این کار را انجام نداده باشم؟ باید به این مساله اشاره کنم که تحقیق خوبی را دکتر شجاعی انجام داده بودند. ۱۰، ۱۲ دانشگاه را بررسی کرده بودند که در آنها گرایش معنی ندارد ولی حوزه تمرکز داشتند. بگذارید این مهم را با یک مثال توضیح دهم. مثلا شما دکتری مدیریت تکنولوژی می‌گیری در صنعت نفت و‌گاز، دکتری تکنولوژی در حوزه پزشکی می‌گیری، بعد این آدم وقتی فارغ‌التحصیل می‌شود می‌تواند در آن صنعت دردی را دوا کند. اما وضعیت در کشور ما این‌طور نیست؛ چراکه مثلا نگاه کنید مدیری که ۱۵ یا ۲۰ سال در یکی از بخش‌های صنعتی مدیریت کرده و حالا دیگر مفهوم و کانسپت ذهنی او شکل گرفته، عملا به دلیل نوع مدیریتش، به هیچ ایده نوآورانه‌ای اجازه نمی‌دهد که وارد شود و کاری را به او بسپارد. آن طرف دانشجوی فارغ‌التحصیل مدیریت تکنولوژی هم آن دانشی را ندارد که به این مدیر بتواند اثبات کند که این ایده من به نتیجه می‌رسد و دردی را از این صنعت دوا می‌کند. در پایان هم باید دو نکته عرض کنم. اینکه امروز سرعت تغییر تکنولوژی بسیار زیاد شده و اگر از زمانی که بازنگری یک درس را استارت می‌زنیم تا زمان تصویب آن ۹ سال زمان ببرد، عملا فایده‌ای نخواهد داشت. امیدواریم که وزارت علوم برنامه‌های زمانی کوتاه مثلا سیلابس رشته‌ای مثل مدیریت تکنولوژی را الزام کند که هر دو سال یکبار بازنگری شود و متولی برایش بگذارد و حتما در بازنگری‌اش از متخصصان صنعت استفاده کند.

## وزارت علوم برنامه درسی نمی‌نویسد

**نقی‌زاده:** نکته اولی که باید به آن اشاره کنم اینکه مگر وزارت علوم برنامه درسی می‌نویسد؟ مگر نقی‌زاده می‌نویسد؟ این طور نیست و قطعا این کار را شما انجمنی‌ها باید انجام دهید. درحالی‌که امروز وضعیت برعکس شده و من باید بگویم آقای آرنوش، شما در هیات‌مدیره انجمن نشستی هوش مصنوعی در حال فتح دنیا است. حالا شما چه پیشنهادی برای من مدیرکل در وزارت علوم در راستای تقویت این حوزه داری؟ حتی من خودم پیشنهاداتی را به شما اعلام می‌کنم. درحالی‌که بنده از وزارت علوم به همه انجمن‌های سطح الف نامه مستقیم زدم که پیشنهادات‌شان را بفرستند. واقعیت این است که هوش مصنوعی دارد از روی ما رد می‌شود. بنده این مسائل را از شما مطالبه می‌کنم اما واقعیت اینکه، مشخص نیست بنده تا چه زمانی در این سمت قرار دارم. انجمن باید طرح روی میز بگذارد. اصلا من نمی‌فهمم کسی که فارغ‌التحصیل می‌شود و هوش مصنوعی ندارد می‌خواهد چه کار کند. من چون دوزیست هستم، یعنی هم بخش خصوصی هستم و هم دولتی، می‌گویم که متاسفانه بنده متوجه نمی‌شوم که می‌خواهند در کسب‌وکار چه کاری انجام دهند. رشته سیاستگذاری که مساله‌اش بیشتر و پیچیده‌تر است. اولا چند درخواست ویژه دارم. عناوین رشته جدید بیاورید، روی همین ۱۱ حوزه راهبردی بلافاصله تصویب می‌کنم. کمتر از سه ماه با رویکرد برنامه‌محوری که خود دکتر فرتاش گفتند. مجوزش هم یکم مهر ۱۴۰۳ به همه دانشگاه‌هایی که فعال باشند می‌دهیم، البته قرار است کنسرسیومی هم در این زمینه تشکیل دهیم. ولی سوال این است که چه کار می‌کنید برای هوش مصنوعی. بین فنی، تکنیکال و تکنولوژی فرق است اینها با هم قاطی نشود؛ چراکه تکنولوژی خودش ماهیت‌هایی دارد. خودش مساله است. اینکه کانادا می‌آید در این ۱۱ رشته ما را تحریم می‌کند معنی دارد. چرا نیامده روی فلان رشته ساده ما را تحریم کند؟ چرا روی اینها ما را تحریم کرده؟ وقتی ما جزء این رشته‌های تحریمی نیستیم باید از خودمان بپرسیم چرا نیستیم. این رشته‌ها رشته‌های راهبردی است. آیا ما به راهبرد گره خورده‌ایم؟ البته بنده نقص‌های وزارت علوم را هم می‌پذیریم، با این حال می‌گویم شما پیشنهادتان را بیاورید، ما آن را تصویب می‌کنیم.

مساله مهمی که باید مدنظر قرار دهیم، اینکه ما همه مباحث را به سمت تربیت مدیر سوق دادیم، درحالی‌که اصلا هدف این نبود بلکه می‌خواستیم تکنولوژی را مدیریت کنیم و امروز هم باید این حوزه را اصلاح کنیم. ما آمادگی کامل داریم که سریع کارگروه را تشکیل دهیم. من خودم هم شخصا در آن کارگروه حضور دارم تا به سرعت به جمع‌بندی رسیده و به نتیجه برسیم. در مورد ورودی‌ها و اینکه در کدام حوزه امتحانی باشند، آن هم اگر خواستید اصلاحیه‌ای بدهید. انجمن بدهد تا به سرعت آن را به طرح تبدیل کنیم. فقط من نکته آخر را بگویم. این نکته‌ای هم که آقای باقری گفت این رشته، رشته تاپی است و باید در آن استعدادهای درخشان جذب کنیم. یک مشکل قانونی هم داریم و آن قانون کنکور است که مصوب مجلس است. ما نمی‌توانیم آزمون اختصاصی بگیریم و تنها ظرفیت بدون کنکور را در اختیار داریم که به استعداد درخشان اختصاص دارد. البته معتقدم کار دیگری هم می‌توان کرد و آن هم اینکه بحث ارشد پیوسته و دکتری مستقیم و دکتری حرفه‌ای است. ارشد پیوسته یعنی از کارشناسی می‌آید تا ارشد. این برای برخی از رشته‌هاست، یعنی نرویم دنبال کارشناسی‌ارشد پیوسته ۵ ساله؛ چراکه این‌طوری دانشجو دو سال و چهار سال که در مجموع ۶ سال می‌شود را باید درس بخواند، درحالی‌که با این کارشناسی‌ارشد یک سال زمان کمتر می‌شود. در این میان یک دوره پژوهشی که بیشتر باید مهارتی باشد از سال سوم شروع می‌شود. یعنی دانشجو در سال سوم وارد فاز مهارتی می‌شود. الان من می‌دانم در هوش مصنوعی کشور دارد گرفتار می‌شود. تعدادی هم که تربیت می‌کنیم، در مهندسی کامپیوتر همه در حال مهاجرت هستند. البته در برنامه درسی جدید اعلام شده که یک دانشگاه محوری داریم، دو تا دانشگاه همکار، دو تا دانشگاه غیردولتی، یک انجمن علمی و یک ذی‌نفع صنعت و جامعه و همه آنها حتما باید در طراحی برنامه باشند.

## نیمکت

### تلاش برای افزایش سقف بودجه آموزش عالی

بیست‌وششمین نشست مجمع پژوهشگاه‌های ملی کشور با حضور غلامرضا خواجه‌سروی، رئیس امور آموزش سازمان برنامه و بودجه، علی‌باقر طاهری‌نیا، دبیر مجمع و روسای پژوهشگاه‌های عضو در محل سالن فجر سازمان برنامه و بودجه برگزار شد. خواجه‌سروی در این نشست گفت: «اساس کارکرد سازمان برنامه و بودجه کمک به پیشرفت کشور در زمینه‌های مادی و معنوی است؛ یعنی همان مفهومی که مقام‌معظم‌رهبری در بیانات خود اعلام می‌کنند.» وی ادامه داد: «وظیفه سازمان، برنامه‌ریزی برای پیشرفت مادی و معنوی کشور و نظارت بر حسن اجرای این موارد است.» خواجه‌سروی افزود: «توقع از اتاق‌های فکر نظام اسلامی این است که برای تحقق پیشرفت کشور مشارکت فعال داشته باشند و از روزمرگی فاصله بگیرند. استفاده از ظرفیت مجمع پژوهشگاه‌های ملی کشور یکی از موضوعاتی است که حتما در سازمان مورد توجه قرار می‌گیرد.» این مسئول سازمان برنامه و بودجه همچنین بر افزایش سقف بودجه آموزش عالی از بودجه کل کشور تاکید کرد.

### تمایل برای درس خواندن افت پیدا کرده است

محمدعلی زلفی‌گل، وزیر علوم گفت: «کسی که دانش دارد، با شخصی که تخصص معلمی دارد فرق می‌کند؛ در نتیجه دانشگاه فرهنگیان باید چتر خود را باز کند. شاید در آینده لازم شود برای افرادی که می‌خواهند وارد دانشگاه شوند، دوره‌های آموزشی حرفه استادی و معلمی برگزار شود که باید دانشگاه فرهنگیان به ما کمک کند و از ظرفیت آن استفاده کنیم.» زلفی‌گل بر تصمیم‌گیری با استفاده از نظرات جمعی برای رفع مشکلات تاکید و اظهار کرد: «دانشگاه فرهنگیان بایستی با حساب و کتاب رشد کند، زیرا مهارت‌محور است. دانشگاه فرهنگیان باید به گونه‌ای رشد پیدا کند که علوم انسانی و علوم پایه آسیب نبیند. در علوم پایه مانند ریاضی و فیزیک تمایل برای درس خواندن افت پیدا کرده و این مساله فاجعه است.» وزیر علوم، تاکید کرد: «دانشگاه فرهنگیان باید با وزارت علوم برای رشته علوم‌پایه وارد تفاهم شوند، زیرا علوم‌پایه در حال نابودی است. مقام‌معظم‌رهبری فرمودند «علوم‌پایه معدن است»، من درخواست می‌کنم نسبت به این مساله حساس باشید و شمع علوم پایه را روشن نگه دارید تا آسیبی وارد نشود.»

### تعیین سرانه تغذیه دانشجویان علوم پزشکی

احد بنار، مدیرکل دانشجویی وزارت بهداشت در گفت‌وگو با مهر افزود: «با توجه به اینکه ارائه سهم دانشجو در هزینه تغذیه در لایحه برنامه هفتم توسعه رد شده است، با سازمان برنامه و بودجه محاسبات لازم انجام شده است تا بتوانیم سرانه تغذیه‌ای که در دانشگاه‌های علوم پزشکی هزینه می‌شود را استخراج کنیم.» او با اشاره به تعیین سرانه تغذیه دانشجویان علوم پزشکی با همکاری سازمان برنامه و بودجه گفت: «می‌خواهیم غذاهای سبز و چند منویی را در دانشگاه‌ها فعال کنیم.» بنار گفت: «متوسط هزینه‌کرد وزارت بهداشت برای هر دانشجوی خوابگاهی که سه وعده غذایی مصرف دارد حدود ۲۰۰ هزار تومان است که این میزان برای تک وعده‌ای‌ها که ۱۰۰ تا ۱۰۵ هزار دانشجو را شامل می‌شوند حدود ۱۰۰ هزار تومان هزینه می‌شود.» وی افزود: «با توجه به هزینه‌ای که برای سرانه غذای دانشجویان علوم پزشکی صورت می‌گیرد دانشگاه‌های وزارت بهداشت ۸.۷ همت یا ۸ هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان سالانه برای غذای دانشجویی هزینه می‌کنند. از این میزان ۴٫۷ همت برای دانشجویان خوابگاهی و حدود ۴ همت برای غیرخوابگاهی‌ها هزینه می‌شود.»

### طرح مسکن نخبگان همچنان روی کاغذ

مهدی صفاری‌نیا، رئیس پارک علم و فناوری پردیس در گفت‌وگو با خبرگزاری دانشجو با اشاره به مسکن نخبگان و متخصصانی که در پارک پردیس فعالیت می‌کنند، گفت: «در بازدیدی که رئیس جمهورسال گذشته از پارک پردیس داشتند دستور تسریع در ایجاد شهرک نخبگانی را دادند، ما بر این اساس توافقنامه با وزارت مسکن و شهرسازی منعقد کردیم.» او با اشاره مذاکرات انجام‌شده با سرمایه‌گذاران افزود: «در حال پیگیری هستیم که بتوانیم موضوع شهرک نخبگانی را به مرحله انعقاد قرارداد اجرایی برسانیم. همچنین موازی با این اقدامات مذاکره با سه مجموعه سرمایه‌گذاری انجام شده و اعلام آمادگی کرده‌اند.»

به گفته صفاری‌نیا، مسکن نخبگان یکی از اولویت‌های کشور است و لازم است دستگاه‌های متولی همکاری داشته باشند.

رئیس پارک علم و فناوری پردیس گفت: «تفاهمنامه طرح مسکن نخبگان انجام شده و مذاکرات شفاهی نیز مثبت بوده، ولی هنوز به انعقاد قرارداد نرسیده است.»

### حل مسائل کشور گرفتار مقاله نویسی شده است

عبدالحسین خسروپناه، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی گفت: «ما امروز در حل مسائل کشور از جمله معنویت، گرفتار مقاله‌نویسی شده‌ایم؛ درحالی‌که مهم حل مسأله است و حکمرانی یعنی حل مسائل. قصد ندارم کارهای پژوهشی را نادیده بگیرم و زحمات محققان، نویسندگان و نخبگان جامعه را بی‌اثر بشمارم، ولی همگی باید این دغدغه را داشته باشیم که این حجم از تولیدات علمی چقدر به حل مسائل جامعه منجر می‌شود. در واقع باید خط اثرگذاری مقاله‌های علمی را در سیاستگذاری‌ها دنبال کنیم تا منجر به عمل شود و در حد پژوهش باقی نماند.» وی گفت: «اگر از من بپرسند که چرا برخی مسائل در کشور حل نمی‌شود پاسخم این است که به خاطر فقر معنویت است؛ نمی‌گویم مسئولان‌مان افراد کم‌کار یا بی‌تقوایی هستند، ولی معنویت بیش از این‌ها به اهتمام ما نیاز دارد. اگر مسئولان کشور معنویت را در جان خود تقویت کنند قطعا بر جوانان و مردم هم موثر خواهد بود؛ وقتی حاکمان اصلاح شوند، مردم هم اصلاح می‌شوند. ارتقای معنویت در مشی مسئولان، به مرام مردم بدل می‌شود و ما را از بسیاری از بن‌بست‌ها خارج می‌کند.»

### تخمین ۵۰ هزار ازدواج دانشجویی در سال

مهدی فاطمی‌پور، معاون فرهنگی و سیاسی نهاد نمایندگی مقام‌معظم‌رهبری در دانشگاه‌ها در گفت‌وگو با ایسکانیوز درباره آمار ازدواج دانشجویی اظهار کرد: «آمار ازدواج دانشجویی به صورت دقیق قابل تخمین نیست؛ چراکه این آمار شامل دانشجویانی که در برنامه همسفر نهاد رهبری شرکت کرده‌اند و افرادی که به صورت معمولی با مراجعه به ثبت تقسیم می‌شود.»

وی گفت: «بنابراین ما آمار دانشجویانی را داریم که در سایت نهاد رهبری ثبت‌نام کرده‌اند و سایر دانشجویان به ما اطلاع نمی‌دهند که ازدواج کرده‌اند یا خیر.»

معاون فرهنگی و سیاسی نهاد نمایندگی مقام‌معظم‌رهبری در دانشگاه‌ها تاکید کرد: «حدود ۱۴ هزار زوج دانشجو امسال در طرح «همسفر تا بهشت» نهاد رهبری ثبت‌نام کردند. بسیاری از دانشجویان نیز ازدواج می‌کنند ولی در برنامه ما ثبت‌نام نمی‌کنند. لزوم ثبت دانشجو بودن ضروری است تا بعدا بتوان براساس آن آمار گرفت.» فاطمی‌پور بیان کرد: «برآورد ما ۵۰ هزار ازدواج دانشجویی در سال است.»

ادامه در صفحه ۵

ادامه از صفحه ۴